

میراث مشترک

مهرداد زارعی



کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی استان همدان

ارتباط و تکلم این طیف گسترده قومی در این خاک بوده است. اقوام ایرانی با وجود برخورداری از زبان و گویش‌های خاص خود، در تعامل بین قومی از زبان مشترک فارسی استفاده می‌کنند. در واقع زبان فارسی چون آسمانی پهناور، تمامی اقوام و نژادها را در بر گرفته است.

اهمیت این مسئله دوچندان می‌شود وقتی در نظر داشته باشیم که ایران، به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی خود، از ابتدای تشکیل حکومت‌ها تاکنون، حوادث پرشماری را از سر گذرانده است. در این میان آنچه البته این کشور دیرینه‌سال را در برابر هجوم‌های گسترده همچنان پابرجا نگه داشته، هویت ملی و ایرانی آن بوده است که در قالب زبان پارسی بالیده و خود را نموده است. **آلفونس دوده**، نویسنده فرانسوی، می‌گوید: ملت مغلوب، تا وقتی زبان خویش را به خوبی حفظ کند، کلید زندانش را در دست خود دارد.

زبان در واقع چون رودخانه جوشان و خروشان است که بستر گذشته را می‌پیماید و در زمان حال به ما می‌رسد و فرهنگ و تمدن پیشین

هویت ملی و زبان ملی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. از یک سو هویت ملی بیشتر براساس زبان ملی شکل می‌گیرد و از سوی دیگر، زبان ملی از هویت ملی متأثر است. برای مثال در اروپای قرن بیستم، میان زبان و هویت ارتباطی محکم دیده می‌شود و زبان، عاملی مهم در ظهور کشورهای مستقل است. این کشورها که جایگزین سلسله‌های پادشاهی و امپراتوری‌ها می‌شوند، هویتشان را با زبانشان می‌آمیزند. کشورهای مستعمره که بعد از جنگ دوم جهانی استقلال یافتند نیز به‌طور خودجوش در اندیشه یک زبان ملی منبعث از درون ملت بودند تا به‌عنوان اساس آموزش و فرهنگ ملی عمل کند؛ نظیر اردو در پاکستان، هندی در هند، سن مالا در سریلانکا و عربی در الجزایر. در ایران زبان فارسی در هویت ملی نقشی اساسی داشته و دارد.

ایران کشوری است دارای اقوام گوناگون و این اقوام در طول تاریخ با زبان‌های متفاوت در کنار هم در قالب یک ملت، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. در چنین موضوعی، بی‌تردید زبان فارسی اصلی‌ترین نقش را بازی کرده است، چرا که این زبان به خاطر وظیفه ذاتی خود که ایجاد ارتباط است، واسطه برقراری



را با خود به امروز می‌آورد. از این‌روست که می‌گوییم زبان آیینۀ فرهنگ و هویت ملت ماست.

زبان فارسی از دیرباز زبان رسمی ایران بوده است، حتی آنگاه که حاکمان ترک بر ایران حکم می‌رانده‌اند. جالب اینجاست که حاکمان ترک‌نژاد یکی از حامیان و مروجان زبان فارسی در خارج از قلمرو ایران بوده‌اند. گورکانیان و عثمانیان دوستدار زبان فارسی بودند و آن را در هندوستان و آسیای صغیر رواج دادند. در طی قرن‌ها، سلسله‌ها و فرمانروایان ترک وسیله گسترش فرهنگ و ادب ایران و زبان فارسی بودند. شاهان ترک‌زبان صفوی به فارسی هم شعر می‌سرودند. شاه‌اسماعیل اول «ختایی» تخلص می‌کرد و شاه‌عباس دوم «ثانی». جالب اینکه شاهان عثمانی نیز به فارسی شعر می‌سرودند؛ نظیر سلطان ایلدرم بایزیدخان اول، سلطان محمد فاتح، سلطان بایزیدخان دوم، سلطان سلیمان قانونی و سلطان سلیم خان اول، متخلص به «سلیمی».

همچنین، شاعرانی که امروزه به‌عنوان شاعران کلاسیک ادبیات ترک مطرح‌اند، همگی به زبان فارسی شعر می‌سروده‌اند. شیخ عزالدین حسن اوغلو اسفراینی که نخستین شاعر

شناخته‌شده زبان ترکی در حوزه به‌شمار می‌آید، به فارسی شعر می‌سروده است. از دیگر شاعران ترک چند زبانه می‌توان به این افراد اشاره کرد: قاضی برهان‌الدین سیواسلی، سیدعلی عمادالدین نسیمی، محمد فضولی، امیرعلیشیر نوائی، قاسم انوار.

این خصیصه‌ای نیست که صرفاً مخصوص شاعران ترک باشد. سایر شاعران غیرفارسی‌زبان ایران نیز هم‌زمان با سرودن به زبان مادری خود، به زبان فارسی نیز شعر می‌گفته‌اند. در زبان

ادب

معلمان زبان و ادبیات فارسی به تقویت حس تعلق و تعصب بر زبان فارسی در دانش‌آموزان اهتمام بورزند که یکی از روش‌های آن آشنا کردن دانش‌آموزان با شاعران و سخنوران مناطق خود است که به زبان فارسی اثر خلق کرده‌اند

کردی نیز از پیر یونس انجیران، عارف و شاعر کرد قرن ششم هجری قمری، اشعاری به زبان فارسی باقی مانده است. همچنین شیخ شهاب‌الدین کاکوزکریایی، شاعر عصر صفوی - که مبتکر سرودن غزل هورامی در اوزان عروضی بود - اشعاری به زبان فارسی سروده است. هم از این قبیل‌اند مولوی کرد، شیخ رضا طالبانی و ...

اتصال اقوام ایرانی به زبان فارسی تنها به شعر محدود نمی‌شود. بانو مستوره اردلان کردستانی که از وی به‌عنوان «نخستین زن تاریخ‌نگار جهان» یاد می‌شود، کتابش را که به تاریخ خاندان اردلان می‌پردازد، به زبان فارسی نگاشته است.

البته که هر قومی باید به زبان خودش تکلم کند و همین گوناگونی قوم‌ها و گویش‌ها در این کشور ویژگی‌ای است که این خاک و بوم به‌واسطه آن بسان یک فرش هزار نقش زیبای ایرانی جلوه می‌کند، اما بر همه اقوام ایرانی لازم است که زبان فارسی را نه تنها به‌عنوان زبان واسط میان این اقوام، بلکه به‌عنوان زبان فرهنگ و هویت خود به کودکان بیاموزند.

حضور زبان‌های قومی در کنار زبان ملی‌مان یک ظرفیت دیگر نیز دارد و آن اینکه زبان‌های استان‌های مرزی (ترکی، کردی، عربی، بلوچی و ترکمنی) می‌تواند نوعی تعامل بهتر با همسایگان



محیط مدرسه با دانش‌آموزان ارتباط بگیرند و به آموزش بپردازند. در عین حال، معلمان زبان و ادبیات فارسی به تقویت حس تعلق و تعصب بر زبان فارسی در دانش‌آموزان اهتمام بورزند که یکی از روش‌های آن آشنا کردن دانش‌آموزان با شاعران و سخنوران مناطق خود است که به زبان فارسی اثر خلق کرده‌اند.

دیبران گرامی با نشان دادن میزان اهمیت زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم جهان اسلام و بیان جهانی بودن ادبیات فارسی به دانش‌آموزان، از طریق دست‌گذاشتن بر نقش سخنوران قومشان در غنای ادبیات فارسی، آنان را در حفظ و تقویت زبان فارسی دغدغه‌مند کنند. نقش معلمان در این حوزه بسیار مهم است، زیرا کتاب‌های درسی به‌واسطهٔ فراگیر و ملی‌بودنشان، سرفصلی در این زمینه (ادبیان غیر فارسی‌زبان ادبیات فارسی) ندارند و این وظیفهٔ دیبران گرامی است که در این حوزه بکوشند تا این ضعف برطرف شود.

با توجه به اینکه نظام آموزش و پرورش در همهٔ کشورها بزرگ‌ترین نیرو و سرمایهٔ انسانی را در اختیار دارد، قطعاً یکی از بهترین ظرفیت‌های تحکیم و تقویت هویت ملی به‌شمار می‌آید. در پایان باز هم تأکید می‌کنیم، زبان فارسی راز همبستگی و پیوند تمام اقوام و فرقه‌ها و طبقات اجتماعی ایران بوده و هست. لذا به‌عنوان میراث مشترک و به‌مثابه نماد اتصال اقوام این سرزمین و برای حفظ هویت ملی‌مان، باید توسط همهٔ ایرانیان گرامی داشته و تقویت شود.

ادب با توجه به اینکه نظام آموزش و پرورش در همه کشورها بزرگ‌ترین نیرو و سرمایه انسانی را در اختیار دارد قطعاً یکی از بهترین ظرفیت‌های تحکیم و تقویت هویت ملی به‌شمار می‌آید

را موجب شود، اگر با تقویت حس هویت ملی در مردمان این مناطق، از آن‌ها به‌عنوان سفیران فرهنگی این کشور در میان هم‌زبانان خود در کشورهای همسایه استفاده کنیم.

در درازنای تاریخ ایران، تمام مردم این سرزمین و اقوام و تیره‌های گوناگون آن، در یک وجه پررنگ، با هم هم‌اندیشی و هم‌آوایی داشتند و آن عشق ورزیدن به زبان فارسی و گزینش این زبان به‌عنوان زبان فکر و فرهنگ بوده است. بنابراین بر ماست که امروز نیز تخم عشق به زبان فارسی را در دل کودکان اقوام ایرانی بکاریم و به کودکان بیاموزیم که قوم و تیره‌شان در استوار ساختن کاخ بلند زبان فارسی نقش پررنگی داشته‌اند.

با توجه به آنچه در مورد نقش زبان و ادبیات فارسی در تثبیت و تحکیم هویت ملی اقشار این مزر و بوم گفته شد، باید اشاره کنیم، نقش

آموزش و پرورش در این زمینه کلیدی و بسیار مهم است. نظام آموزش در هر کشوری یکی از اصلی‌ترین ارکان سازندهٔ هویت آن جامعه است. در ایران نیز مسئولان بر جایگاه زبان در شکل‌گیری هویت ملی وقوف کامل دارند و این موضوع در اسناد بالادستی کاملاً مدنظر قرار گرفته است. در همین راستا، در فصل دوم «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» در یکی از بندها آمده است: «تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی»، به‌عنوان زبان مشترک.

حال که خوشبختانه در سند تحول (که نقشهٔ راه آموزش و پرورش است) این موضوع لحاظ شده و آموزش در مدرسه‌های ایران با کتاب‌هایی که به زبان فارسی نوشته شده‌اند صورت می‌گیرد، جا دارد معلمان عزیز تنها با زبان فارسی در

* منابع

۱. شاهرخ مسکوب (۱۳۸۵). **هویت ایرانی و زبان فارسی**. فرزانه روز، چاپ سوم. تهران.
۲. به اهتمام حسین گودرزی (۱۳۸۴). **گفتارهایی دربارهٔ زبان و هویت**. تمدن ایرانی.
۳. محمدرضا قمری و محمد حسن‌زاده. نقش زبان در هویت ملی. دوفصلنامه علمی پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء. سال دوم. شمارهٔ ۳. پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۴. محمدامین ریاحی (۱۳۹۶). **زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی**. اطلاعات. چاپ سوم. تهران.
۵. ذبیح‌الله صفا (۱۳۹۰). **تاریخ ادبیات در ایران**. جلد پنجم (بخش اول). فردوس. چاپ پانزدهم. تهران.
۶. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. قابل دسترسی در <https://sccr.ir/Files/6609.pdf>